

دستور موقت

احمد موبدی - قاضی دادسرای نظامی ناحیه کرج

مقدمه:

اصولاً دادرسی یا به صورت عادی انجام می پذیرد یا به صورت استثنایی. دادرسی عادی که در مقررات سابق ق.آ.د.م وجود داشت با انجام تبادل لوایح صورت می پذیرفت. این شیوه فعلاً در دیوان عدالت اداری مورد عمل است. دادرسی عادی در سال ۵۸ از سیستم قضایی کشور حذف شد. دادرسی استثنایی نیز به سه صورت انجام می پذیرد. دادرسی اختصاصی که در مقررات جدید، دادرسی عادی شناخته می شود. دادرسی بدون دادرسی که به موجب قانون مصوب ۱۳۴۷ وارد سیستم قضایی کشور شده بود، با وضع ماده (۵۲۹) ق.آ.د.م جدید، از مقررات کشور حذف شد. سومین دادرسی، دادرسی فوری است که در موارد استثنایی انجام می گیرد. این موارد شامل صدور دستور موقت و نیز صدور قرار تأمین خواسته، می گردد. دستور موقت شامل توقیف مال، منع از انجام امری و انجام امری است. لذا محدوده صدور چنین تأسیس حقوقی، از تأمین خواسته بیشتر است. زیرا تأمین خواسته صرفاً شامل توقیف مال می گردد. در حالی که دستور موقت علاوه بر توقیف مال در موارد جلوگیری از انجام امری و یا منع از آن نیز، صادر می گردد.

به موجب مواد (۳۱۳) و (۳۱۴) ق.آ.د.م، صدور دستور موقت تابع تشریفات ق.آ.د.م، نیست. به عبارت دیگر متقاضی می تواند با یک درخواست ساده نیز تقاضای خود را دنبال نماید. این تقاضا حتی می تواند شفاهی باشد که در صورت اخیر دادگاه مراتب را در صورت مجلس قید و به امضای درخواست کننده می رساند. پس از جمله شرایط دستور موقت، درخواست متقاضی است. دومین شرط از شرایط صدور دستور موقت، ضرورت صدور چنین دستوری است. تشخیص این موضوع با قاضی رسیدگی کننده است. سومین شرط از شرایط صدور دستور موقت، فوریت امر است. اگر فوریتی در صدور دستور موقت وجود نداشته باشد، مرجع رسیدگی کننده حق صدور دستور موقت را نخواهد داشت. مثلاً در مورد جلوگیری از وارد شدن آب به باغات میوه که در صورت عدم رفع مانع، منتهی به خشک شدن باغ می گردد چنین فوریتی قابل کشف است.

شرایط شکلی صدور دستور موقت

دادرس دادگاه در هنگام صدور دستور موقت، پرونده را به صورت اجمالی بررسی می کند تا چنانچه موجبات صدور دستور موقت وجود داشته باشد با رعایت شرایط مقدماتی، مبادرت به اتخاذ تصمیم نماید.

دادرس دادگاه در بررسی پرونده ماهیتاً دعوی را مورد رسیدگی قرار نمی دهد و به همین جهت در مواردی علی‌رغم صدور دستور موقت، دادگاه رأی بر بی حقی خواهان می دهد. ماده (۳۱۷) ق.آ.د.م، نیز تصریح دارد که دستور موقت، به هیچ وجه تأثیری در اصل دعوی نخواهد داشت.

ماده (۳۱۹) قانون جدید برخلاف ماده (۷۸۱) قانون سابق دادگاه را مکلف به اخذ تأمین مناسب و متناسب با موضوع دستور موقت نموده و صدور دستور موقت صرفاً پس از تودیع تأمین مذکور صورت می پذیرد. در حالی که در قانون سابق دادگاه اختیار داشت تا در صورت تشخیص بدون اخذ خسارت احتمالی نیز مبادرت به صدور دستور موقت نماید.

دادگاه در چنین مواردی با تعیین مهلت لازم به خواهان ابلاغ می نماید تا قبل از انقضای مهلت مقرر خسارت معینه را تودیع نماید. در صورتی که خواهان در خارج از مهلت قضایی تأمین را بسپارد دادگاه قرار رد درخواست را صادر خواهد نمود.

میزان خسارت احتمالی بسته به تشخیص دادرس رسیدگی کننده می باشد. که با توجه به جمیع جهات میزان آن تعیین می شود.

در صورتی که خواهان مطابق ماده (۳۱۸) ق.آ.د.م، در مهلت معین طرح دعوی ننماید و یا در صورتی که در اصل دعوی، محکوم به بی حقی گردد، ملزم به جبران خسارت وارده به خواننده نیز می گردد و خسارات وارده از محل تأمین تودיעی پرداخت خواهد شد. قانون در ماده (۳۲۴) ق.آ.د.م، مهلت یک ماهه را از تاریخ ابلاغ رأی نهایی، جهت مطالبه خسارت برای خواننده، پیش‌بینی نموده و در صورتی که در مهلت مقرر مطالبه خسارت نشود از تأمین رفع اثر می گردد.

تشریفات صدور دستور موقت

مطابق ماده (۳۱۳) ق.آ.د.م، اولاً رسیدگی دادگاه منوط به تقدیم دادخواست نیست و ثانیاً درخواست متقاضی حتی اگر شفاهی نیز باشد، دادگاه را ملزم به رسیدگی می نماید. اما در عمل دادگاه‌ها متقاضیان را به تقدیم دادخواست هدایت می کنند. به درخواست متقاضیان باید تمبری معادل هزینه دادرسی دعوی غیر مالی الصاق گردد. دادگاه در صورت وجود شرایط قانونی مبادرت به صدور دستور موقت می نماید. اجرای این دستور به مستفاد از تبصره یک ماده (۳۲۵) ق.آ.د.م، مستلزم تأیید رئیس حوزه قضایی است. در مقررات فعلی کلیه دادگاه‌ها اجازه صدور دستور موقت را دارند و نیازی به اخذ مجوز مخصوص ندارند. لیکن اجرای آن تنها پس از تأیید رئیس حوزه قضایی ممکن است و در صورت عدم موافقت، دستور موقت کان لم یکن خواهد بود. در قانون جدید صریحاً در خصوص قابل اعتراض بودن نظر رئیس حوزه قضایی مطلبی بیان نگردیده است.

از آنجایی که رعایت تشریفات دادرسی مستلزم صرف وقت و حضور طرفین و رعایت نکات بی‌شماری است که گاهی با شرط فوریت دستور موقت، مغایرت دارد؛ لذا قانونگذار، دادگاه‌ها را در بررسی درخواست متقاضیان و صدور دستور موقت در موارد لزوم، از رعایت این شرایط معاف دانسته است.

رسیدگی مطابق مقررات ق.آ.د.م، با ابلاغ درخواست به خواننده و حضور وی در دادگاه صورت می‌پذیرد. در این خصوص نیز ماده (۳۱۴) دادگاه را ملزم نموده تا روز و ساعت مناسبی را تعیین و طرفین را جهت رسیدگی به درخواست خواهان، به دادگاه دعوت نماید. اما با توجه به وجود شرط ضرورت و فوریت موضوع، دادرسی دادگاه می‌تواند در موارد خاص بدون تعیین وقت و دعوت از طرفین و حتی در خارج از اوقات اداری و محل دادگاه، مبادرت به اتخاذ تصمیم نماید.

در خصوص اجرای دستور موقت نیز، قانونگذار از همین اصل پیروی نموده و اجرای دستور موقت را منوط به ابلاغ آن به خواننده نموده؛ لیکن در شرایطی که موضوع واجد جنبه فوریت باشد، بدون ابلاغ به طرف آن راقابل اجرا دانسته است.

مرجع صالح در رسیدگی به دستور موقت

درخواست دستور موقت ممکن است قبل، بعد و یا همزمان با طرح دعوی اصلی انجام پذیرد. اگر درخواست دستور موقت ضمن دادخواست دعوی اصلی بیان شده باشد، لزوماً از دادگاه صالح به رسیدگی به دعوی اصلی به عمل خواهد آمد.

برخلاف ماده (۷۸۸) ق.آ.د.م سابق که در چنین مواردی هزینه ای را به خواهان تحمیل نمی‌نمود، در تبصره ۲ ماده (۳۲۵) قانون لاحق، اخذ هزینه در کلیه جهات را واجب شمرده است و تفاوتی از این جهت بین تقدیم درخواست قبل، همزمان یا بعد از طرح دعوی اصلی وجود ندارد.

اگر دعوی در مرجع صالح در حال رسیدگی باشد، درخواست دستور موقت به همین مرجع داده می‌شود. در این وضعیت تفاوتی بین مرجع بدوی و تجدید نظر وجود ندارد. در صورت اخیر، دادگاه تجدیدنظر صلاحیت رسیدگی به دستور موقت را خواهد داشت.

برابر مواد (۳۱۱) و (۳۱۲) مرجع صالح در صدور دستور موقت، دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوی را دارد اما در موارد ضرورت، می‌توان از دادگاهی غیر از دادگاه صالح نیز، رسیدگی به موضوع دستور موقت را درخواست نمود و این به جهت فوریت و ضرورت صدور چنین دستوری است و قانونگذار تسهیلات قانونی را به این منظور در مواد (۳۱۱) و (۳۱۲) ق.آ.د.م، فراهم نموده است. در صورتی که درخواست دستور موقت قبل از طرح دعوی به دادگاه داده شود، به تجویز ماده

(۳۱۸) ق.آ.د.م، متقاضی باید حداکثر ظرف مدت ۲۰ روز از تاریخ صدور دستور موقت نسبت به اقامه دعوی اصلی اقدام و در صورتی که این دادگاه غیر از دادگاه صادر کننده دستور موقت باشد، مکلف به اخذ گواهی از مرجع صالح ارائه آن، به مرجع صادر کننده دستور است. قانونگذار در قسمت اخیر ماده (۳۱۸) ضمانت اجرای عدم توجه به این تکلیف را، رفع اثر از دستور موقت اعلام نموده است. قبول یا رد درخواست دستور موقت به صورت مستقل قابل اعتراض، تجدیدنظر و فرجام نیست و درخواست کننده باید ضمن تجدیدنظر خواهی نسبت به اصل رأی در خصوص دستور موقت نیز اعتراض و درخواست رسیدگی نماید.

از آنجایی که مطابق قسمت اخیر ماده (۳۲۵) ق.آ.د.م، رد یا قبول درخواست دستور موقت، قابل رسیدگی فرجامی نیست و مرجع تجدید نظر دعاوی حقوقی دادگاه تجدیدنظر استان است، لذا پرونده‌های حقوقی در حدود تبصره ۲ ماده (۱۸) قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب قابل طرح در شعبه‌ی تشخیص دیوانعالی کشور است و میزان اختیارات این مرجع نیز، صرفاً در حدود موارد منصوص است. از آنجایی که این مرجع در صورت نقض رأی مرجع تالی، رسیدگی ماهوی می‌نماید و در مواد (۳۱۰) به بعد ق.آ.د.م، نیز از عبارت دادگاه، نام برده شده و به شعبه دیوان، دادگاه اطلاق نمی‌گردد لذا شعب تشخیص اختیار صدور دستور موقت را در هیچ موردی ندارند و این اختیار منحصرأً به دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر تعلق دارد.

لایحه اصلاح مقررات تنظیم و ثبت اسناد در دفاتر اسناد رسمی

ماده ۱_ تنظیم و ثبت هر گونه سند انتقال در دفاتر اسناد رسمی برای املاک، به جز استعلام از اداره‌ی ثبت محل، به منظور تطابق سند با دفتر املاک و اعلام وضعیت ثبتی (حسب مورد) و عدم بازداشت و دریافت مدارک زیر از مالک، نیاز به استعلام از سایر مراجع ندارد:

الف _ گواهی پایان کار یا عدم خلاف از شهرداری یا سایر مراجع ذی ربط.

ب - اعلام نظر وزارت مسکن و شهرسازی مبنی بر بلا مانع بودن انجام معامله، موضوع ماده (۱۲) قانون زمین شهری، مصوب ۱۳۶۶/۶/۲۲.

ج - اعلام نظر وزارت جهاد کشاورزی (حسب مورد سازمان امور اراضی و یا سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور) مبنی بر موات نبودن مورد معامله، موضوع تبصره (۱) ماده واحده قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن، مصوب ۱۳۶۵/۹/۳۰ و ماده (۴) قانون تقسیم و فروش املاک مورد اجاره به زارعین مستاجر، مصوب ۱۳۴۷/۱۰/۲۳.

د- اعلام نظر سازمان حفاظت محیط زیست مبنی بر عدم وقوع ملک در اراضی واقع در مناطق چهارگانه موضوع بند (الف) ماده (۳) قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، مصوب ۱۳۵۳/۳/۲۸.

ه- مفاسد حساب مالیاتی.

تبصره- ادارات امور مالیاتی موظفند حسب مورد نسبت به صدور مفاسد حساب مالیاتی و یا اعلام وضعیت مالیاتی ملک مورد معامله، بنا به درخواست مالکان اقدام نمایند.

ماده ۲- در موارد مذکور در ماده (۱) مراجع ذی ربط موظفند در تاریخ مراجعه، به مراجعه کنندگان گواهی وصول تقاضا تسلیم و ظرف حداکثر بیست روز از تاریخ صدور گواهی یاد شده، پاسخ آنان را صادر کنند.

ماده ۳- اعلام نظر مخالف یا مشروط و یا مقید مراجع مزبور، باید روشن و با ذکر علت و مستند به دلایل قانونی باشد.

ماده ۴- دفاتر موظفند منتقل الیه (خریدار) را از آثار و تبعات سند تنظیمی موضوع ماده (۱) مطلع سازند و طرفین پس از تنظیم سند و نقل و انتقال متضامناً مسؤول و پاسخگوی کلیه، تعهدات قانونی و بدهی های مربوط به ملک که تا زمان تنظیم سند، طبق قوانین محقق و مسلم بوده هستند؛ مگر آنچه در قوانین استثناء شده و یا طرفین بر خلاف آن تراضی و توافق نمایند.

ماده ۵- دفاتر اسناد رسمی می توانند در صورت درخواست متعاملان نسبت به تنظیم سند رسمی راجع به نقل و انتقال تلفن ثابت و همراه اقدام نمایند. شرکت مخابرات ایران مکلف است راجع به استعلام دفاتر در موارد مربوط ظرف حداکثر بیست روز پاسخ دهد.

ماده ۶- هر گونه نقل و انتقال ماشین های چاپ، لیتوگرافی و صحافی پس از ارائه موافقت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توسط مالک، در دفاتر اسناد رسمی انجام خواهد شد. نقل و انتقالات مذکور در شناسنامه مالکیت که نمونه ی آن توسط سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تهیه و تنظیم می گردد، منعکس می شود.

ماده ۷- آیین نامه اجرایی این قانون ظرف حداکثر شش ماه پس از ابلاغ، توسط وزارتخانه های مسکن و شهرسازی، جهاد کشاورزی، کشور، ارتباطات و فناوری اطلاعات، امور اقتصادی و دارایی و فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.